

سه‌شنبه ۲ آذر ۱۴۰۰ • ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ • ۲۲ نوامبر ۲۰۲۱

اخبار

گفت و گو با طاهر شیخ‌الحکمایی، مجسمه‌ساز معاصر ایرانی

مشکلات هنرمندان همیشه هم مالی نیست
طاهر شیخ‌الحکمایی، مجسمه‌ساز معاصر ایرانی که این روزها جشن تولد ۶۷ سالگی اش را پشت سر گذاشته است، چنین آرزو می‌کند، «اولا این بیماری (کرونا) از بین برود و همه در سلامت باشند. جوان‌ها به آرزوهایشان برسند و مشکلاتی که در جامعه وجود دارد نیز برطرف شود.»

شیخ‌الحکمایی که پس از مدت ها گذران زندگی در دوران کرونا، حضور در یک دوره‌می به همت موسسه هنرمندان پیشکسوت را به همراه عده ای دیگر از هنرمندان تجربه می‌کرد، در گفت‌وگویی با ایسنا خاطرنشان کرد: «بسیاری از هنرمندان عضو موسسه هنرمندان پیشکسوت پا به سن هستند و فرزندانشان در خارج از کشور زندگی می‌کنند. در این شرایط موسسه می‌تواند با انجام مهابنگی‌هایی، شرایطی را فراهم کند تا هنرمندانی که پا به سن گذاشته اند، بیشتر توجه و حمایت عاطفی دریافت کنند و به نوعی از بار مشکلاتشان کم شود.»

این هنرمند ضمن ابراز خوشحالی از فرصت گردهمایی گفت: «متأسفانه کرونا برای همه، شرایط سختی را به وجود آورده است از جمله این دیدارها. امیدوارم این معضل برطرف شود و بتوانیم بیشتر همدیگر را ببینیم.»
شیخ الحکمایی همچنین درباره نحوه فعالیتش در دوران قرنطینه ادامه داد: «سال اول مدت طولانی‌ای را در خانه بودم. برای من در کنار خانواده ماندن و کار کردن بد نبود اما خب از طرفی لازم بود که برای جلساتی در محل کارم حضور پیدا کنم.»

شیخ الحکمایی در ادامه ضمن اشاره به این نکته که هنرمندان هر کدام در زمینه کاری خودشان یا استخدام دولت بودند، یا آزاد کار کردند و یا مدرس بودند، خاطرنشان کرد: «برخی مشکلات وجود دارد که موسسه هنرمندان پیشکسوت درصدد حل کردن آنهاست. بسیاری از هنرمندان عضو این موسسه پا به سن گذاشته اند و نیاز به حمایت عاطفی بیشتری دارند. بنابراین نیاز است که موسسه در موارد عاطفی در کنار این عزیزان باشد تا باری از مشکلاتشان کم کند.»

وی همچنین اضافه کرد: «مشکلات همیشه از جنس مالی نیستند و خیلی از این هنرمندان امکانات مالی خوبی هم دارند اما نیاز به محبت بیشتری دارند.»

این هنرمند مجسمه‌ساز همچنین از درگذشت هنرمندان پیشکسوت در دوران کرونا ابراز ناراحتی کرد و در این زمینه شعری خواند: «بیا تا قدر یکدیگر بدانیم/که تا ناگه ز یکدیگر مانیم»

شیخ الحکمایی در آخر ضمن اشاره به این نکته که هنرمندان پیشکسوت نیز عضوی از جامعه محسوب می‌شوند، ادامه داد: «همه دوستانی که در این اجتماع کار می‌کنند، تلاش می‌کنند؛ از یک کارگر معمولی گرفته تا یک معلم، همه تلاش خودشان را برای ساختن یک جامعه خوب می‌کنند. هنرمندان نیز به همین صورت تلاششان را می‌کنند و باید نسلی را پرورش دهند که جای خودشان را پر کند. بنابراین هر فردی که به سن بازنشستگی می‌رسد، توقع دریافت توجه دارد. پیشکسوتان نیز عضوی از جامعه هستند و باتوجه به تلاشی که کرده‌اند، باید به آنان توجه شود.»

رونمایی از کتاب مجتبی گلستانی پس از درگذشتش

مراسم رونمایی از کتاب «در جنگل بلوط» زنده‌ای مجتبی گلستانی برگزار می‌شود.

این مراسم رونمایی همزمان با زادروز این نویسنده و منتقد فقید، روز پنجشنبه (چهارم آذرماه ۱۴۰۰) از ساعت ۱۸ تا ۲۰ به همت نشر کتاب فانوس با همکاری کانفروشی فرهنگستان قریب برگزار خواهد شد.

مجتبی گلستانی سال گذشته (مهرماه ۱۳۹۹) در مصاحبه‌ای که در پایگاه شهر کتاب منتشر شده است، درباه این‌که چه چیزی بیشتر از همه او را در ادبیات تحت تأثیر قرار می‌دهد، به این کتاب اشاره کرده و گفته بود: «با ادبیات، بیشتر درگیر تجربه انضمامی زندگی می‌شوم. از تلخ‌ترین ویژگی‌های زمانه ما شاید تجربه انزوای روزافزونی باشد که همه‌مان را از مرز حقیقتان و خفگی پیش برده. و این انزوا، این تک‌فادگی، آدمی را از ساحت واقعی جهان و زیستن دور می‌کند؛ از باقی انسان‌های گوشت‌وخون‌دار؛ ادبیات، یعنی اختصاصا شعر و رمان و نمایش‌نامه، کمکم می‌کند به زندگی برگردم، خودم را در خیابان حس می‌کنم، مشغول حرف زدن با آدم‌ها. گاهی رمانی، شعری، سطری، راهی جاده و جنگلم می‌کند. و البته کمکم می‌کند تا به قول لویاس، به «دیگری»ام فکر کنم، او را انتظار بکشم، برای بودنش. برای آمدنش خیال‌بافی کنم. به‌ویژه وقتی کتاب نویسیم، وقتی خودم به کلمات پناه می‌برم، نگاه عزیز و ناب این دیگری خاص را حس می‌کنم و حرف‌هایش را می‌شنوم... بخشی از این‌ها را، این عاشقانه‌ها را، این دغدغه برای دیگری را، در کتابی نوشته‌ام که به‌زودی از سوی نشر کتاب فانوس منتشر می‌شود، به نام «در جنگل بلوط...» جان کلامم این است که ادبیات به من امید و معنا می‌بخشد.»

کانفروشی فرهنگان قریب در خیابان آزادی، خیابان دکتر ولیعبدالله پیران تر از خیابان نصرت، شیش کوچه اولیا واقع است.

مجتبی گلستانی متولد سال ۱۳۶۰ نویسنده، مترجم و پژوهشگر حوزه فلسفه و نقد ادبی، دارای مدرک دکتری فلسفه اخلاق بود که با رادیو هم همکاری داشت‌از آثار او می‌توان به «وااسازی متون جلال آل‌احمد» و «درآمدی تصویری بر اخلاق» اشاره کرد. مجتبی گلستانی ۲۸ تیرماه بر اثر ایلتا به کرونا در ۴۰سالگی در بیمارستان از دنیا رفت.

به پیشنهاد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی روز سی ام آبان ماه که مصادف با روز جهانی فلسفه است به عنوان روز «فارابی» در تقویم ملی ایران به ثبت رسیداین نامگذاری به آن دلیل است که «فارابی» را بیناگذار حقیقی فلسفه در تمدن اسلامی‌می‌دانند. به همین مناسبت روز گذشته انجمن آثار و مفاخر فرهنگی مراسم بزرگداشت « فارابی» حکیم و فیلسوف برجسته ایرانی را با حضور استادان برجسته ایرانی و خارجی در فضای مجازی برگزار کرد.

در این مراسم غلیبه قنبر بکوا استادیار بخش ایران‌شناسی دانشکده شرق شناسی دانشگاه ملی قزاقی فارابی گفت: نام دانشگاه ما از سال ۱۹۹۲ فارابی است. بعد از استقلال قزاقستان اسم دانشگاه به فارابی تغییر کرد و همه بخصوص خود من بسیار افتخار می‌کنم که نام این دانشگاه نام یک دانشمند بزرگ حقیقی دنیای اسلام است. ما خرسندیم که در ایران روزی به نام روز فارابی وجود دارد. درباره فارابی حرف زدن کار آسانی نیست. فارابی چندین رساله بسیار مهم نوشته است و توضیحاتی بسیار کامل و مفصل برای آثار فیلسوفان قبل از خود نگاشته است. وقتی ت با دانشجویان و مردم معمولی صحبت می‌کنیم چطور می توان نظر فیلسوفانه فارابی را به آنها منتقل کرد؟! کتاب های بسیار زیادی نوشته شده و زبان آنها بسیار سخت و سنگین است. بنابراین امروز دو مطلب از ابو نصر فارابی را مطرح می‌کنم

وی افزود: فارابی می‌نویسد که کلید خوشبختی در علم و دانش است و هر کسی که علم و دانش دارد خوشبخت است و اگر از اوّلین تا آخرین روز در زندگی علم بجویم می‌توانیم به خوشبختی برسیم. یعنی خوشبختی از طریق کسب علم و دانش میسر می‌شود. فارابی به نکته خوبی اشاره می‌کند که هر کسی که علم و تحصیلات عالی دارد اگر اخلاق بدی داشته باشد، هیچ فایده‌ای ندارد و این انسان نمی‌تواند خود را به عنوان یک دانشمند و فردی عالم مطرح کند. چون که علم و دانش ما را تربیت می‌کند و ما را خوش اخلاق‌تر می‌کند و انسانیت ما بیشتر می‌شود. این دو مطلب در آثار فارابی به طور

متعدد تکرار می‌شود و بسیار ارزش دارد.
بخصوص امروز که ما در دنیایی بسیار خطرناک و وابسته به اینترنت زندگی می‌کنیم و علم و دانش را به نوعی دیگر توصیف و دریافت می‌کنیم.

قنبر بکوا ادامه داد: غیر از این بیشتر دانشجویان می‌پرسند آیا فارابی انطور که شما می‌گویید تمام رشته‌های علوم از جمله طبیعی، پزشکی و فلسفه را خوانده است و در تمام رشته‌ها کتاب نوشته است؟
آیا ایشان در مورد شیمی و فیزیک و پزشکی نیز رساله‌ای از خود باقی گذاشته است؟
من دوست داشتم امروز برخی از این موضوعات را مطرح کنم. به نظر فارابی باید به همه این رشته‌ها فیلسوفانه نگاه کنیم. یعنی از دید فارابی فلسفه پدر تمام علوم است و اگر فلسفه‌اش وجود نداشته باشد هیچ علم پی‌شرفت ندارد. فارابی اوّلین بار درباره اعضای بدن انسان حرف بسیار مهمی گفته است که به عقیده پژوهشگران این پاسخی به رساله جالینوس بوده که دانشمند یونانی است. این مقاله بسیار کوتاه است و به کیمیا مربوط است. کیمیا به علم شیمی و پزشکی مرتبط است. در زمان فارابی کیمیاگران زیاد بودند و فارابی در این مقاله از آنان انتقاد می‌کند و آنها را به دو گروه تقسیم می‌کند که یک گروه به دنبال نوعی



سنگ بودند و از این موضوع سو استفاده می‌کردند. فارابی در این مورد می‌نویسد که کیمیاگران از موضوع کیمیا سو استفاده می‌کنند و متوجه چیزی نشده‌اند که ذات طلا و یا نقره عوض نمی‌شود. مثلا طلا و نقره از نظر طبیعت همتا ندارد و معلوم است که هیچ کیمیگری نمی‌تواند سنگ را به طلا و نقره تبدیل کند و این صددرصد یک دروغ است که کیمیاگران در آن زمان از آن استفاده می‌کردند. بنابراین فارابی می‌نویسد: ذات هر چیز ممکن است ذوب شود؛ مثل نقره و طلا ولی تبدیل به چیزی دیگر نمی‌شود. چون هر کدام از این سنگ‌ها همتا ندارند و ذات خود را حفظ می‌کنند. فارابی مطلب مهم دیگری را در مورد علم اعضای بدن مطرح می‌کند. که توضیحی بر رساله دانشمندان یونانی است و مقاله‌ای کوتاه وجود دارد که احتمالا جوابی بر نوشته‌های جالینوس و ارسطو است و مشخص می‌کند که او در علم طب نیز مطالعه کرده است. مثلا وقتی انسان بیمار می‌شود، طبیب باید اعضای بدن انسان را بشناسد و اینکه غذای این انسان چیست و باید چه خوراکی را استفاده کند. وی اضافه کرد: انسان معمولا سو نوع خوراک استفاده می‌کند: یکی گوشت حیوانات و دیگری گیاهان و دیگری آب طبیعی. وقتی می بینیم هر

در آیین رونمایی از کتاب «جوانمرد» مطرح شد:

شهید ابراهیم هادی را باید از کسانی شنید که شنیده ها را دیده‌اند

سردارعباس نظیفی و برادر بزرگوارشان غلامرضا هادی دعوت شد تا درباره شهید و خاطراتشان مطالبی را بیان کنند.

مرتضی پارساییان از همزمان شهید ابراهیم هادی در ابتدای سخن با گرامیداشت یاد و خاطره شهید هادی گفت: شهید ابراهیم

هادی یکی از اعضای گروه دستمال سرخ ها بود که بعد از شهادت شهید علی اصغر وصالی در گیلانغرب، گروه اندرزگو را تشکیل دادند. شهید ابراهیم هادی را باید از کسانی شنید که شنیده ها را دیده اند. در بخش دیگری از این مراسم سردار عباس نظیفی یکی دیگر

از همزمان شهید ابراهیم هادی خاطره‌ای را از ایشان بیان کرد و گفت: در عملیات والفجر ۱۰ قدماتی که از گیلانغرب حرکت کردیم ، یک آشنایی بین بچه‌های گیلانغرب و لشکر۲۷ بود برای عملیات والفجر ۱۰ ، قسمت شد که ما از گیلانغرب راه بقیتم و حرکت بکنیم شب قبل از عملیات چچه ها دور هم نشستیم و شهید ابراهیم هادی گفتند بچه‌ها بیاپید با هم قرآن بخوانیم و دست در دست هم دادیم و قسم خوردیم که هر کس در عملیات شهید شد بقیه را شفاعت کند روز عملیات به علت برخی مشکلات و پاتک های دشمن ما نتوانستیم عملیات والفجر ۱۰ را انجام بدهیم و من به بچه ها گفتم که به عقب برگردند ولی متأسفانه ابراهیم هادی در کانال ماند و نتوانستند برگردند و بعدا هم که برای تفحص بچه‌ها را فرستادیم آنجا بازهم متأسفانه نتوانستیم ابراهیم هادی را پیدا کنیم یکی از چیزهای مهمی که در مورد این کانال باید بگویم این هست که درکانال کمیل بچه‌هایی که آنجا بودند ولی برای خوردن نداشتند و تا آخرین قطره خوشان در آنجا مقاومت کردند.

همرزم شهید در ادامه صحبت‌های خود افزود: بعد از ۵ روز در محاصره دشمن بودند در آن کانال تشنه تر از شهید ابراهیم‌هادی کسی نبود شهید هادی دنبال مسئولیت و نامش نبود شهید هادی کسی بود که اگر یک قمعقه آب در آن شرایط داشت آن را به همه بچه های حاضر در آنجا می داد ولی خود جرع‌ای از آن آب را نمی نوشید ابراهیم هادی یک تفکر بود، از مرام و معرفت و دست به سینه

نگاهی به کتاب «من آن تو ام»

شمس تبریزی؛ نه آن‌طور که الف شفق نوشته

انتهای پاره پانزدهم می‌گوید: «شمس نامی‌ست بی مصداق معین! هرکس در هر کجا به عبور از مرزها و شکستن تقابل‌ها و زیبا دیدن شراب بیندیشد او را «شمس» صدا بزیند.»

شمسی که ضیایی به ما معرفی می‌کند نه یک شخصیت بکتا و منحصر به فرد و تکرار نشدنی بلکه وجودی ست مستمر که هر قرن و هر چند سال تکرار شده است.

او خود می‌داند و آتشی که افروخته و هر نسل شعله ای از آن را در دیگری به ودیعۀ نهاده و دل‌هایی که به بند کشیده. همانطور که جایی می‌گوید: «روزهای اول چله نشینی، گاهی سیم تنبور گسسته می‌شود، گاهی نخ تسبیح. فقط ای کاش بند دل پاره نشود. دشوار است جمع کردنش.»

ضیایی این روایت را که شکلی نو و تازه دارد بر اساس مستندات موقّی نوشته است و هر کجا هم شبهه‌ای بوده خیلی زیبا و با دلیل یا آن را رد کرده یا نفی کرده. شاید اولین بار است که قصه بر شور دیدار مولانا و شمس تبریزی در این‌قالب بازگو می‌شود.

اگرچه قصه شمس و مولانا را هرچه و از هر زبان که بشنوی نامرکز و است بی‌تکرار اما بازگویی آن در کتاب من آن توام شیرینی و حلاوت دیگری دارد. چه از قلم نویسنده که جذاب است و روان حتی با وجود شکل ادبی و توصیفی‌اش، چه از نظر زاویه پرداخت به موضوع که آن را مثل داستان و قصه دنبال می‌کنی چه از نظر سُبک بودن و خوش خوانی‌اش. ضیایی با هنرمندی تمام توانسته موضوعی را که سنگین و پر از اصطلاحات و لغات عارفانه و محتوای در هم تنیده و نا رایج به نظر می‌رسد را با شیوایی به زبان حال بکشد و هر مخاطب مشتاق با هر سن و سلیقه را شیفته کند.

استادیار بخش ایران‌شناسی دانشگاه قزاقستان:

درباره فارابی حرف زدن کار آسانی نیست

سه سالم هستند بدن انسان هم سالم است. اگر گوشت سالم نبود انسان صددرصد بیمار می‌شود. و یا اینکه ما چا و کمتر یا بیشتر از حد این ماده غذایی را استفاده می‌کنیم. غیر از این فارابی تأکید می‌کند که تغذیه خوب داروی طبیعی ما است. یعنی درست و به جا و در وقت غذا خوردن کلید سلامتی ما است که اوّلین بار توسط وی در جوامع اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است.غیر از این فارابی به علم زیست شناسی و گیاه شناسی نیز پرداخته است که بحث بسیار مفصلی دارد. همچنین فارابی به زبان شناسی پرداخته است. این استاد دانشگاه در پایان گفت: اما نکته دیگر اینکه فارابی شناسی در قزاقستان اهمیت و ارزش بسیاری داشته است. بخصوص از سال ۱۹۲۰ میلادی به بعد و در زمان شوروی سابق تلاش زیادی شد که برخی از آثار معروف فارابی

به ویژه موسیقی کبیر و آثار او در حوزه فلسفه، منطق و یا ریاضیات و البته کتاب الحروف را به زبان قزاقی ترجمه کردند. البته بیشتر این آثار ابتدا به زبان روسی ترجمه شده بودند و بعد به زبان قزاقی ترجمه شدند. در سال گذشته که قزاقستان هزار و صد و پنجاهمین سالگرد ابونصر فارابی را به صورت گسترده و باشکوه جشن گرفت، در دو سال چندین کتاب فارابی از زبان اصلی توسط فارابی پژوهان به زبان قزاقی ترجمه و با توضیحات علمی کامل چاپ شد. این نشان می‌دهد که یک دوره جدید فارابی پژوهشی در قزاقستان شروع شده است و امیدواریم در آینده نزدیک تمام آثار او را از زبان اصلی به قزاقی و روسی ترجمه کنیم و توضیحات علمی مفصلی توسط فارابی پژوهان نوشته شود و مردم ما بیشتر با آثار این حکیم بزرگ آشنا شوند. فارابی دانشمندی است که معاصرتر از برخی از پژوهشگران ما است و هر اثر او به روز است و نمی‌توان فکر کرد که اندیشه او کهنه و به روز نیست. می‌توان جواب سوّالات را در آثار فارابی پیدا کرد. جوانان را به مطالعه آثار فارابی تشویق می‌کنم و مطمئنم حتماً مطالب جالبی را در این آثار پیدا می‌کنند.

اخبار

همکاری باشگاه سواد رسانه‌ای یونسکو و شورای شهر تهران

در راستای توسعه فعالیت‌های آموزشی با هدف توانمندسازی و ارتقای انواع سواد به ویژه سواد رسانه‌ای برای شهروندان، این باشگاه و شورای اسلامی شهر تهران توافق نامه همکاری مشترک امضا کردند.

این تفاهم نامه همکاری مشترک میان حجت الاسلام و المسلمین علی نوریحانی رئیس کل باشگاه و محمودرضا کبیری یگانه معاون ارتباطات و امور بین‌الملل شورای شهر تهران امضا شد که بر اساس آن، توسعه فعالیت‌های نوآورانه و آموزشی، حمایت متقابل از گروه‌های نوآوری و شرکت نوپا و کمک به تولید محتوای اثرگذار در راستای تقویت مهارت‌های شهروندان برای زیست در دنیای رسانه‌ای مورد توافق قرار گرفت.

تفاهم‌نامه مذکور با عنایت به رسالت طرفین جهت ترویج و توان‌افزایی نیروی انسانی و همچنین رفع نیازهای علمی، آموزشی و نوآوری کشور از طریق گسترش ارتباط همکاری، همفکری، شناسایی ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها، نوآوری و آموزش مفهوم علمی سواد و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها طرفین و در راستای تقویت اکوسیستم رسانه و نوآوری‌ها، نظام شهری کشور منعقد شده و بر اساس آن تا پایان سال بر اساس تقویم آموزشی، برگزاری دوره‌های مدرسه زمستانی حول محورهای این تفاهم نامه اجرایی و عملیاتی خواهد شد.

کشف جدید باستان‌شناسان ایران و فرانسه در شمال خراسان

سومین فصل از کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه «ویران‌شهر» خراسان‌شناسی که به ظن بیشتر تاریخ‌نگاران، باستان‌شناسان، خاستگاه پادشاهان اشکانی بوده است، توسط هیأت مشترک باستان‌شناسی ایران و فرانسه، به یافته‌های جدید و مهمی از معماری اشکانی و ساسانی در مرزهای ایران منجر شد.

این فصل از کاوش به سرپرستی مشترک میثم لباف‌خانیکی و روکو رانتنه، در قالب تفاهم‌نامهٔ همکاری مشترک بین پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری و موزهٔ لوور فرانسه انجام شد.

میثم لباف‌خانیکی، سرپرست ایرانی هیأت باستان‌شناسی محوطه ویرانشهر گفت: سومین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی در این محوطه واقع در ۱۰ کیلومتری شمال شهرستان فاروج در استان خراسان‌شمالی، که با مجوز پژوهشگاه صورت گرفت، به نتایج مهمی دربارهٔ معماری دورهٔ اشکانی و ساسانی در منطقهٔ شمال خراسان انجامید.

او ادامه داد: بقایای معماری نشان می‌دهد محوطه ویرانشهر در میانه حماری مربع‌شکل محصور بوده و عرصه‌ای به وسعت ۱۴ هکتار را پوشش می‌داده است. حصار پیرامونی آن یک سکونتگاه به برج‌های متوالی تجهیز می‌شد و یک ارگ یا حاکم‌نشین در گوشهٔ شمال‌غربی آن قرار داشت.

این باستان‌شناس یادآور شد: کاوش‌های سال گذشته آثاری از یک مجموعه معماری را در محل تپه‌ای که در بخش جنوبی محوطه واقع شده است، آشکار ساخت.

لباف‌خانیکی با بیان این‌که بخشی از کاوش‌های این فصل با هدف تکمیل اطلاعات سال گذشته، به کشف قسمت‌های بیشتری از آن بنا یادمانی انجامید، گفت: کاوش‌هایی که در محل دروازهٔ غربی این سکونتگاه صورت گرفت، نشان داد که در طرفین این دروازه دو برج با پلان مستطیل‌شکل قرار داشته و فضای داخلی هر برج مشتمل بر تالاری به طول ۵٫۹ و عرض ۴ متر بوده است.

به گفته او، ساختار دروازه و سازه‌های الحاقی در طول حداقل سه دوره معماری، دچار تغییراتی شده که با توجه به شواهد کشف‌شده، از اوایل دوره اشکانی تا اواسط دوره ساسانی به طول انجامیده است.سرپرست ایرانی هیأت باستان‌شناسی ویرانشهر گفت: علاوه بر بقایای معماری، مقادیر قابل توجهی از قطعه سفال‌های شاخص دوره اشکانی و ساسانی از لایه‌لای لایه‌های فرهنگی این محوطه به‌دست آمده که معیار مناسبی برای شناسایی و گونه‌شناسی سفال‌های دوره تاریخی ناحیه شمال خراسان را فراهم می‌آورد. این باستان‌شناس اظهار کرد: بقایای معماری و سفال‌های ویرانشهر از این نظر اهمیت پیدا می‌کند که پیش از این، مراکز جمعیتی اشکانی با این مقیاس، تنها در خارج از مرزهای ایران و عمدتاً در جنوب ترکمنستان مورد کاوش و مطالعه قرار گرفته بودند و دسترسی به اطلاعات آن‌ها همواره با مشکلات زیادی مواجه بوده است. او با بیان این‌که محوطه ویرانشهر نخستین‌بار در سال ۱۳۵۵ خورشیدی توسط هیأتی از باستان‌شناسان ایتالیایی به سرپرستی روبرتا ونگو ریچاردی از دانشگاه تورین شناسایی شد، افزود: این محوطه در منطقه‌ای واقع است که به ظن بیشتر تاریخ‌نگاران و باستان‌شناسان خاستگاه پادشاهان اشکانی و نخستین مراکز اداری و سیاسی ایشان بوده است.

لباف‌خانیکی گفت: گسترش مطالعات تاریخی و کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی در این منطقه خواهد توانست ابراهه از ابهامات فراوانی درباره تاریخ اشکانیان پرده را بردارد. ویرانشهر یکی از مهم‌ترین محوطه‌های تاریخی دره اترک است که یکی از مهم‌ترین شریان‌های ارتباطی شرق به غرب نیز بوده و از دیرباز، توجه باستان‌شناسان را به خود جلب کرده است. باستان‌شناسان از این محوطه به پیش از انقلاب در باستان‌شناسی ایران و عمدتاً در جنوب ترکمنستان مورد کاوش و مطالعه قرار گرفته بودند و دسترسی به اطلاعات آن‌ها همواره با مشکلات زیادی مواجه بوده است. او با بیان این‌که محوطه ویرانشهر نخستین‌بار در سال ۱۳۵۵ خورشیدی توسط هیأتی از باستان‌شناسان ایتالیایی به سرپرستی روبرتا ونگو ریچاردی از دانشگاه تورین شناسایی شد، افزود: این محوطه در منطقه‌ای واقع است که به ظن بیشتر تاریخ‌نگاران و باستان‌شناسان خاستگاه پادشاهان اشکانی و نخستین مراکز اداری و سیاسی ایشان بوده است.

لباف‌خانیکی گفت: گسترش مطالعات تاریخی و کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی در این منطقه خواهد توانست ابراهه از ابهامات فراوانی درباره تاریخ اشکانیان پرده را بردارد.

ویرانشهر یکی از مهم‌ترین محوطه‌های تاریخی دره اترک است که یکی از مهم‌ترین شریان‌های ارتباطی شرق به غرب نیز بوده و از دیرباز، توجه باستان‌شناسان را به خود جلب کرده است. باستان‌شناسان از این محوطه به پیش از انقلاب در باستان‌شناسی ایران و عمدتاً در جنوب ترکمنستان مورد کاوش و مطالعه قرار گرفته بودند و دسترسی به اطلاعات آن‌ها همواره با مشکلات زیادی مواجه بوده است. او با بیان این‌که محوطه ویرانشهر نخستین‌بار در سال ۱۳۵۵ خورشیدی توسط هیأتی از باستان‌شناسان ایتالیایی به سرپرستی روبرتا ونگو ریچاردی از دانشگاه تورین شناسایی شد، افزود: این محوطه در منطقه‌ای واقع است که به ظن بیشتر تاریخ‌نگاران و باستان‌شناسان خاستگاه پادشاهان اشکانی و نخستین مراکز اداری و سیاسی ایشان بوده است.

لباف‌خانیکی گفت: گسترش مطالعات تاریخی و کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی در این منطقه خواهد توانست ابراهه از ابهامات فراوانی درباره تاریخ اشکانیان پرده را بردارد.

ویرانشهر یکی از مهم‌ترین محوطه‌های تاریخی دره اترک است که یکی از مهم‌ترین شریان‌های ارتباطی شرق به غرب نیز بوده و از دیرباز، توجه باستان‌شناسان را به خود جلب کرده است. باستان‌شناسان از این محوطه به پیش از انقلاب در باستان‌شناسی ایران و عمدتاً در جنوب ترکمنستان مورد کاوش و مطالعه قرار گرفته بودند و دسترسی به اطلاعات آن‌ها همواره با مشکلات زیادی مواجه بوده است. او با بیان این‌که محوطه ویرانشهر نخستین‌بار در سال ۱۳۵۵ خورشیدی توسط هیأتی از باستان‌شناسان ایتالیایی به سرپرستی روبرتا ونگو ریچاردی از دانشگاه تورین شناسایی شد، افزود: این محوطه در منطقه‌ای واقع است که به ظن بیشتر تاریخ‌نگاران و باستان‌شناسان خاستگاه پادشاهان اشکانی و نخستین مراکز اداری و سیاسی ایشان بوده است.

لباف‌خانیکی گفت: گسترش مطالعات تاریخی و کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی در این منطقه خواهد توانست ابراهه از ابهامات فراوانی درباره تاریخ اشکانیان پرده را بردارد.